شب‌ه‌ خرمن در تکوّن هلال

برخی از مباحث در جلسات قبل به‌صورت خام طرح شد و هنوز مانده است. یادم هست که چند بحث مهم بود و گفتم انشاءالله بعداً بحث می‌کنیم. الآن هم آخر کار است. اگر موضوع، هلال شود از نظر بحث فقهی خیلی کار شده است. چیز دیگری نباشد و تنها هلال باشد. وقتی به خود عرف ارجاع می‌دهید می‌گویند شارع فرموده «اذا أهلّ الهلال». نه عرف برای هلال معنای جدیدی آورده و نه برای رؤیت. عرف این را می‌فهمد. اما ما می‌گوییم شارع نفرموده با هر وسیله‌ای هلال دیدی کافی است، شما باید با چشم عادی ببینید. یعنی مسلح نباشد ولو وقتی با چشم مسلح می‌بینید عرف می‌گوید می‌بینیم، ولی می‌گوییم برای من فایده‌ای ندارد.

تدقیق در این‌که موضوع، هلال است، خودش فوائدی دارد. اما چند سؤال مانده بود. سؤالاتی که به‌صورت ناپخته و خام از آن‌ها در شد‌یم. پراسال به من برگه‌ای داده بودند، من هم همان روز مطلبی را زیر آن نوشته بودم. آمدم که به محضر ایشان بدهم، دیدم هنوز بحث ناپخته است لذا آن را گذاشتم. دوباره یادم آمد و اینجا هم جایش است. چون پایان بحث است. «و بما ذكرناه تبيّن أن الهلال هو الموضوع».

11:45

من عبارت ایشان را می‌خوانم. ابتدا آن چیزی که من عرض کردم را بیان کرده‌اند و بعد اشکال کرده‌اند.

«از آن جا که شهر قمری یک بازه زمانی است، لابدّ شروع آن در یک آن و لحظه معین و مشخص ثبوتی است»؛ که چند جلسه قبل هم این را عرض، کردم. خب چون یک بازه زمانی است یک لحظه معین ثبوتی شروع دارد. **«سؤالی پیش آمد: با توجه به این‌که اهلال و تشکیل هلال امری تدریجی است، خصوصاً در رؤیت با تلسکوپ هر تلسکوپی که قوی‌تر است زودتر هلال را می‌بیند، به خلاف دوربین شکاری که ضعیف است. نقطه نقطه اضافه می‌شود تا هلال شکل بگیرد. پس خود هلال دچار شب‌ه‌ خرمن است».** در جلسات قبل صحبت از شب‌ه‌ خرمن بود. **«هم خرمن در تناقض و هم حدوث خرمن در ازدیاد».** در ازدیاد و حدوث اگر شما یک دانه گندم در اینجا بگذاری خرمن هست یا نیست؟ مسلماً نیست. یک دانه دیگر کنار آن بگذاری، رواداری کمّی، این خرمن هست یا نیست؟ یکی دیگر بگذاری، خرمن هست یا نیست؟ خب حالا همینطور این یک دانه را ادامه بدهید. چه زمانی به لحظه‌ای می‌رسید که دیگر وقتی گندم بعدی را بگذاری خرمن شکل می‌گیرد؟ هیچ‌گاه. چون با یک گندم که قرار نیست شما خرمن را احداث کنید. این شب‌ه‌ خرمن در حدوث خرمن است. از یک دانه شروع می‌کنید و رواداری می‌کنید تا بینهایت. پس اگر تا بینهایت هم گندم اضافه کنید با یک دانه گندم به هیچ لحظه‌ای نمی‌رسید که بگویید خرمن حادث شد.

همینطور تناقض هست در خرمنی که قطعاً زن‌ عرف خرمن است، یک دانه از آن بردارید. خرمن هست یا نیست؟ هست. حالا یکی دیگر بردارید. خرمن هست یا نیست؟ یک دانه یک دانه بردارید. کدام دانه است که اگر آن را بردارید می‌گویید دیگر خرمن نیست؟ هیچ‌کدام. ندارید. یک دانه، رواداری دارد. یعنی از حیث ازدیاد و کم کردن مشکلی پیش نمی‌آورد. لذا همینطور جلو می‌روید تا به یک گندم برسید که وقتی آن دانه آخر را بردارید می‌گویید حالا دیگر خرمن نیست! این پارادوکس خرمن بود.

مطلب مهمی بود. در منطق هم مطرح است. برای آن جزوه‌ها نوشته شده است. ما هم در جلسات متعددی چهار- پنج سال پیش پیرامون آن مباحثه کردیم. بحمدالله فایل‌های آن موجود است.

فرمودند «دچار شبهه خرمن هستید». یعنی ما یک لحظه نداریم که بگوییم هلال شکل گرفت. خب وقتی آن را نداریم اهلال هلال، چه زمانی است؟ می‌گویید فی علم الله هست! خب علم خدا به واقعیات است، وقتی آن لحظه‌ای که شما با یک اضافه بگویید حالا هلال شد ثبوتا نباشد، چطور می‌خواهید در علم الله آن را توجیه کنید؟! لذا دچار شبهه خرمن است. «یعنی اصل تکون ثبوتی هلال، دچار ابهام است و لحظه‌ای نیست. باید شروع و حدوث شهر قمری را امری غیر از حدوث هلال دانست، یا نحوه ابهامی یا نحوه کشش تدریجی را برای شروع و دخول شهر پذیرفت».

بازبینی #1
ایجاد شده 11 مه 2026 12:41:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2026 12:43:39 توسط ... .